

اعتماد و مشارکت

(بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)

پروین علی پور، محمدجواد زاهدی، ملیحه شبانی

(تاریخ دریافت ۸۸/۳/۲۰، تاریخ پذیرش ۸۸/۱۲/۱۲)

چکیده: شکل‌گیری مشارکت و چگونگی عضویت و همکاری افراد جامعه در تشکلهای غیردولتی و فعالیتهای دسته‌جمعی سازمان‌یافته تحت تأثیر عوامل متعددی است. این مطالعه به دنبال بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سازمان‌یافته افراد است. بدین منظور با بررسی نظریه‌های مختلف در حوزه مشارکت و اعتماد اجتماعی به بیان نظری مسئله تحقیق پرداخته شده است. فرضیه‌های تحقیق که از دیدگاه‌های نظری مرتبط با اعتماد اجتماعی و مشارکت استخراج شده با استفاده از داده‌هایی که به روش پیمایشی گردآوری شده آزمون شده‌اند. حوزه جغرافیایی تحقیق محدوده کلان شهر تهران و جمعیت آماری تحقیق نیز ساکنان مناطق شهرداری یک (بالا)، هفت (متوسط) و هفده (پایین) شهر تهران است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به صورت تصادفی انتخاب گردیده‌اند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته رابطه معناداری وجود دارد هر چند که میزان و جهت تأثیرگذاری این رابطه در هر مورد متفاوت است. همچنین ضرایب رگرسیون چند متغیری نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مورد بررسی اعتماد تعمیم‌یافته و پایگاه اقتصادی-اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی‌اند.

مفاهیم کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی.

مقدمه

بحث درباره مشارکت نه فقط در ادبیات توسعه اهمیت زیادی دارد بلکه اساساً می‌توان آن را فرایندی تلقی کرد که ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و ابعاد آن در طی زمان و بحسب الزامات دوره‌های مختلف تاریخ دگرگون و متکامل شده است. ایده مشارکت در معنای بسیط خود از مباحث مربوط به دموکراسی نشأت می‌گیرد که سابقه آن را برخی به نظام سیاسی یونان باستان می‌رسانند (آرنت، ۱۳۶۱). به اعتبار منابع موجود از آن دوره سابقه این بحث را دست‌کم می‌توان در دوران قبل از میلاد مسیح و در آثار افلاطون و ارسطو پیگیری کرد. در دوران جدید هم خصوصاً از عصر روشنگری به بعد طرح مباحث نو در این زمینه اهمیت روزافزونی یافته است تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. از طرف دیگر، اعتماد شرط اصلی و کلیدی برای موجودیت هر جامعه‌ای است. «به نظر می‌رسد در زمانی زندگی می‌کنیم که در آن وابستگی آتی جامعه بر روی تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافته است. ما در حال گذار از جوامع مبتنی بر تقدیرگرایی به سوی جوامع مبتنی بر عاملان انسانی هستیم و به منظور رویارویی با آینده به صورت فعال و ساختمند نیاز به اعتماد داریم» (زتومپکا، ۱۳۸۴: ۱۳). نیوتن اعتماد را این‌هاور در فرد تعریف می‌کند، که دیگران، در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه آسیبی به او نمی‌رسانند؛ و در بهترین شرایط، به نفع او عمل می‌کنند. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح‌آمیز حفظ می‌شود، که این‌ها به نوبه خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده است. گرچه اعتماد با مخاطره همراه است، اما جهان را به جایی خوشایندتر، کارآمدتر، و صلح‌آمیزتر برای زندگی تبدیل می‌کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد، غیرقابل تحمل و حتی شاید ناممکن است (نیوتن، ۲۰۰۱: ۲۰۲). امروزه بیشترین توافق در این زمینه وجود دارد که اعتماد مؤلفه‌ای ضروری در همه انواع روابط اجتماعی است. می‌توان گفت که اعتماد نتیجه برهمکنش‌های اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. از این رو اعتماد را می‌توان یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اعتماد افراد به هم، اعتماد افراد به نهادها و دولت و به عکس، یعنی اعتماد دولت به شهروندان، سبب توسعه و تعمیق مشارکت‌های اجتماعی می‌شود. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه مدنی از جمله مشارکت دارای همبستگی است. مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا، زمینه مناسب‌تری برای تحقق پیدا کنند. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد

به‌عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود. همان چیزی که به آن سرمایه اجتماعی نام نهاده‌اند. به باور اینگلهارت «سرمایه اجتماعی همان اعتماد است» (نقل از: رز، ۱۹۹۹: ۷۸). این سرمایه موجب پایین آمدن هزینه برهمکنش‌های اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مرتبط با آن می‌شود. با توجه به اهمیت اعتماد در بحث مشارکت، در این مقاله کوشش شده است که میزان اعتماد شهروندان تهرانی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته و ضمن آن به این پرسش نیز پاسخ داده شود که آیا اعتماد در میزان مشارکت این کنشگران اجتماعی مؤثر است یا نه؟

ملاحظات نظری

اعتماد

همه ما ناگزیر از اعتماد هستیم. اعتماد به دیگران، اعتماد به محیط زندگی، اعتماد به زمان و اعتماد به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی. از اعتماد تعاریف متعدد و گاه متفاوتی ارائه شده است. به‌رغم تنوع و تفاوت این تعاریف وجه مشترک مهمی در همه آن‌ها می‌توان یافت که همانا وجود دو عنصر پایه‌ای «امید به دستیابی به نتایج مورد انتظار» و «اتکا به صداقت طرف مقابل» است که تقریباً در همه رویکردهای تعریفی به‌طور صریح یا ضمنی ملحوظ شده‌اند. لایان اعتماد را باور قوی به اعتبار، صداقت و توان افراد، انتظاری مطمئن و اتکا به ادعا یا اظهار نظر دیگران بدون آزمون آن می‌داند (لایان، ۲۰۰۰). از دید میزتال، اعتماد، اطمینان به دیگران به‌رغم احتمال و امکان فرصت‌طلبی، عدم قطعیت و مخاطره‌آمیز بودن آنان است (میزتال ۱۹۸۸: ۱۸). و زتومپکا اعتماد را شرط‌بندی درباره کنش‌هایی می‌داند که دیگران در آینده انجام خواهند داد (زتومپکا، ۱۳۸۴).

به این ترتیب به‌طور کلی می‌توان گفت که اعتماد، پذیرفتن دیگران در ارتباط با مصالح فرد است؛ انتظار رفتار مفید داشتن از دیگران یا دست‌کم مضر نبودن کنش آن‌ها برای مصالح و منافع اعتماد کنند. اعتماد در معنای کلی بازگویی این باور است که دیگران با کنش خود به آسایش یا رفاه اعتمادکنندگان کمک کرده و از آسیب زدن به آن‌ها یا منافع‌شان خودداری کنند.

صاحب‌نظران بسیاری در چند دهه اخیر به بحث جامعه‌شناختی درباره اعتماد، الزامات و پیامدهای آن پرداخته‌اند که برخی از این آثار به زبان فارسی نیز ترجمه و منتشر شده که از آن جمله می‌توان از فیلد (۱۳۸۸)؛ گیدنز (۱۳۸۴)، میزتال (۱۹۹۶)؛ افه (۱۳۸۵)؛ پاتنام (۱۳۸۰)؛ اینگلهارت (۱۳۷۳)؛ زتومپکا (۱۳۸۴)؛ کلمن (۱۳۷۷) و... نام برد.

بنا به تعریف افه اعتماد، فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی / گروهی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند. این فرض شناختی، با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از

لحاظ آمادگی آن‌ها برای کمک، همکاری، و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت‌طلبانه و خصمانه ارتباط دارد (افه؛ ۱۳۸۵، ۲۰۸). اعتماد تسهیل‌کننده رفتار جمعی، ایجاد‌کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است (زمرلی و نیوتن، ۲۰۰۸: ۱). به اعتقاد گیدنز اعتماد ابراز اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد، براساس نوعی جهش به ایمان است، که معمولاً مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را برطرف می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۳). او اعتماد را عامل احساس امنیت و جودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد و به پیش می‌برد (همان: ۶۳). گیدنز همچنین اعتماد را از عناصر و مؤلفه‌های اصلی مسدورنیت می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آن‌که در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۰). نگاه کریستوفر مور به اعتماد با مفهوم تضاد و خصومت گره خورده است. او با رویکردی روان‌شناختی به این دو مفهوم می‌نگرد و به دنبال این است که دریا باید چگونه می‌توان اعتماد را جایگزین تضاد کرد. به باور او تضاد بین گروه‌ها نتیجه پنج عامل کلی است که ماهیتی روان‌شناختی دارد: ۱. وجود احساسات منفی در بین گروه‌ها؛ ۲. وجود تصورات قالبی آن‌ها نسبت به هم؛ ۳. عدم اطمینان به یکدیگر؛ ۴. عدم مشروعیت افراد و نیازهای آنان؛ و ۵. فقدان ارتباطات. مور معتقد است که تنها در صورتی می‌توان اعتماد را جایگزین تضاد کرد که این موانع وجود نداشته باشد (مورد؛ ۱۹۸۹: ۱۲۴-۱۲۵). به اعتقاد زتومپکا اعتماد عبارت است از مطمئن بودن درباره کنش‌های احتمالی دیگران در آینده زتومپکا: ۱۳۸۴). وقتی ما اعتماد می‌کنیم چنان است که گویی در مورد آینده آگاهی داریم. «نشان دادن اعتماد، نوعی پیش‌بینی آینده است. یعنی به نوعی رفتار می‌کنیم که گویی، آینده تعیین شده است» (لومان، ۱۹۷۹: ۱۰). به نظر آلموند و وربا اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴). و به تعبیر کلمن اعتماد «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷). کلمن معتقد است که اعتماد در متن کنش‌های انسانی نمود پیدا می‌کند، به‌خصوص آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند. نکته در خور توجه آن است که در همه رویکردهای اشاره شده اعتماد به‌طور ضمنی پیش‌شرط اصلی مشارکت در رابطه برهمکنشی شمرده شده است.

نظریه زیمل در مورد اعتماد چارچوب نظری معتبر و فراگیری برای تحلیل اعتماد شخصی و تعمیم‌یافته فراهم می‌سازد. توصیف او از شرایط، نقش و کارکر اعتماد در جوامع مدرن برای

نظریه جامعه‌شناختی اعتماد ارزشمند است. به گفتهٔ زیمل در جوامع مدرن رابطه مسلط، رابطه‌ای مبتنی بر مبادله است. مبادله اصلی‌ترین شکل همه بر همکنش‌های انسانی است که در آن، طرف‌های رابطه منافع خود را دنبال می‌کنند. بنابراین هر بر همکنشی چونان مبادله قلمداد می‌شود.

مبادله نه تنها برای ما ارزش نسبی اشیا را مشخص می‌کند بلکه کلید اصلی هرگونه رابطهٔ اجتماعی است. یکی از کارکردهای مبادله این است که پیوند درونی بین افراد ایجاد می‌کند (میزتال، ۱۹۹۶ به نقل از مظاهری، ۱۳۸۴: ۲۵).

زیمل با مینا قرار دادن مبادله، اعتماد را شکلی از رابطه (اعتماد) به مثابه وابستگی مطمئن به یک نفر یا یک اصل و صور انتزاعی مثل پول تعریف می‌کند. او مبنای اعتماد را ارتباط می‌داند. بحث‌های زیمل در مورد اعتماد، برخی ویژگی‌های آن را در جوامع مدرن آشکار می‌سازد. عدم قطعیت و تجربه متفاوت اجتماعی، همراه با افزایش فردگرایی، نیاز به اعتماد را دو چندان می‌کند، روابط اجتماعی را مستحکم می‌سازد و یکی از مهم‌ترین نیروهای ترکیبی در جامعه است.

پاتنام اعتماد را یکی از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی سرمایه اجتماعی می‌داند. براساس دیدگاه او، سرمایه اجتماعی را می‌توان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی کرد که به وسیلهٔ اعتماد، گسترش یافته‌اند. اعتماد و مشارکت به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند، اعتماد از زندگی گروهی پدید می‌آید و در همان زمان، امکانات خودجوش را برای شکل‌گیری و تشکیل انجمن‌ها فراهم می‌سازد. از منظر پاتنام، تئوری سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که هر چه بیشتر با افراد دیگر ارتباط داشته باشیم، بیشتر به آن‌ها اعتماد می‌کنیم و به عکس (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۵).

پاتنام عقیده دارد که اعتماد همکاری را تسهیل می‌بخشد و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و همکاری نیز متقابلاً ایجاد اعتماد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است عنصری غیر اختیاری و ناآگاهانه نیست. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناخت‌تان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعات‌شان و توانایی او، حدس می‌زنید که او از پس انجام کار بر خواهد آمد. در جوامع کوچک این پیش‌بینی براساس چیزی انجام می‌شود که برنارد ویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می‌نامد، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر اعتمادی غیر

شخصی‌تر یا شکل نامستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲). راجرز عنصری همچون بی‌اعتمادی متقابل در روابط شخصی را در کنار عناصری چند به‌عنوان ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی، مانع مشارکت می‌داند (نقل از: ازکیا، ۱۳۷۹: ۴۵). به نظر راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حیل‌گری در روابط با یکدیگر است. همچنین، تصور «خیر محدود» سبب عدم اعتماد در روابط شخصی می‌شود. چون چیزهای مطلوب در زندگی به میزان محدود و کمی وجود دارد به سخن دیگر منابع محدود و خواسته‌ها نامحدود است و با توجه به قدرت و توانایی افراد میزان آن‌ها را به سادگی نمی‌توان افزایش داد، بنابراین دست‌یابی عده‌ای به این منابع سبب محرومیت دیگران از آن‌ها می‌شود؛ و همین مسئله سبب بدگمانی افراد نسبت به یکدیگر خواهد شد (موسوی، ۱۳۸۴: ۵۰). نظریه خیر محدود فاستر مبتنی بر وجود فضایی آکنده از خصومت و بی‌اعتمادی است که موجب می‌شود افراد هرگز نتوانند به روش مشارکتی با یکدیگر همکاری کنند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۸).

کلاوس افه در مقاله خود تحت عنوان «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟» می‌نویسد: اعتماد گمانه‌ای بر مبنای ارزیابی دیگران است که ممکن است اشتباه باشد. او معتقد است که از ترکیب دوگانه‌های «توده - نخبه» و «افقی - عمودی» چهار حوزه به‌دست می‌آید که روابط اعتماد در آن چهار حوزه خود را نشان می‌دهد: نخستین حوزه اعتماد شهروندان به هم‌شهری‌های خود است؛ حوزه دوم اعتماد به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخش‌ها (از قبیل نمایندگان رسانه‌ها، پلیس، دادگاه، ارتش یا پزشکان) است؛ اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش‌ها از قبیل نخبگان بخش‌های تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی، ارتشی و غیره، سومین حوزه اعتماد را تشکیل می‌دهد؛ و چهارمین حوزه، اعتماد سطوح بالا نسبت به سطوح پایین جامعه است که در آن نخبگان درباره گرایش‌های رفتاری عناصر بخش‌های مختلف یا کل توده‌ها به باورهایی دست می‌یابند (افه، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

آیزنشتات و رونیگر به بحث اعتماد در قالب اجتماعی اخلاقی پرداخته و می‌نویسند: اجتماع اخلاقی طریقه خاصی برای ارتباط با کسانی است که آن‌ها را به‌عنوان «ما» می‌شناسیم. سه نوع تعهد اخلاقی مشخصه مقوله «ما» است: ۱. «ما» به کسانی اطلاق می‌شود که به آن‌ها اعتماد داریم؛ ۲. نسبت به آن‌ها وفادار هستیم؛ ۳. و به خاطر برخی مسائل، انسجام و وحدت خود را با آن‌ها حفظ می‌کنیم. به سخن دیگر، بر طبق این تفسیر سه مؤلفه اساسی برای اجتماعی اخلاقی می‌توان تعریف کرد: مؤلفه اول «اعتماد» است یعنی انتظار رفتار معقول دیگران نسبت به خودمان. مؤلفه دوم «وفاداری» است یعنی تعهد به اجتناب از برهم زدن اعتمادی که دیگران

نسبت به ما دارند و کارهایی که افراد برای جلب اعتماد برخی اشخاص انجام می دهند و مؤلفه سوم عبارتست از «اتحاد و اتفاق نظر»، یعنی با انجام برخی اعمال، نشان می دهیم که علایق و تمایلات دیگران برای ما اهمیت دارد، حتی اگر این اعمال با علایق خودمان در تضاد باشد. این سه مؤلفه، فضای اخلاقی را که فرد در آن قرار می گیرد، ترسیم می کنند (آیزنشتات و رونیگر، ۱۹۸۴: ۳ به نقل از زتومپکا، ۱۳۸۴: ۵).

تالکوت پارسونز به مسئله هنجارها و ارزش ها و نقش آن ها در ایجاد انتظارات مشخص از کنشگران دیگر یا همان اعتماد متقابل اشاره دارد. پارسونز با مبنای نظری نظم اجتماعی، اعتماد را مدل درونی شده ارزش ها، هنجارها و تعهدات از طریق عام گرایی می داند. وی مبنای اعتماد را توافق در ارزش های جمعی در نظر می گیرد (ورسلی، ۱۳۸۷: ۷۰).

اینگلهارت نیز به تبعیت از آلموند و وربا اعتماد به یکدیگر را شرط تشکیل روابط ثانوی می داند که به نوبه خود برای مشارکت سیاسی مؤثر در هر دموکراسی وسیع لازم است. حس اعتماد همچنین برای اجرای قوانین دموکراتیک لازم است (اینگلهارت، ۱۳۷۴: ۲۴). به اعتقاد او نهادهای دموکراتیک به ویژگی های فرهنگی پایدار مانند رضایت از زندگی و اعتماد متقابل وابسته اند و فرهنگ مدنی که با سه شاخص اعتماد به یکدیگر، رضایت از زندگی و حمایت از دگرگونی انقلابی شناخته می شود، با تداوم نهادهای دموکراتیک پیوند محکمی نشان می دهد (همان: ۳۵).

زتومپکا دلایل توجه به مفهوم اعتماد در جامعه شناسی و مباحث مربوط به فرهنگ را چنین بازگو می کند (زتومپکا، ۱۹۹۹: ۱۵-۱۶ به نقل از غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰):

۱. اعتماد بعد مهمی از فرهنگ مدنی است.
۲. اعتماد بعد مهمی از جامعه مدنی است. به این معنی که اجتماع منسجم، متعهد و وفادار نسبت به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد عمودی در بین نهادهای مختلف نمی تواند برقرار باشد.
۳. اعتماد یکی از مؤلفه های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است.
۴. اعتماد با ارزش های فرامادی پیوند دارد، به گونه ای که کیفیت زندگی و بهزیستی روانی پیوستگی مستحکمی با اعتماد تعمیم یافته دارد.
۵. اعتماد یکی از عناصر صلاحیت و کفایت تمدنی است و پیش نیاز مشارکت سیاسی، اقدامات کارفرمایانه و آمادگی برای اخذ فن آوری جدید است.

چلبی استدلال می کند که در فرایند توسعه اجتماعی میزان عضویت اعضای جامعه در گروه ها، سازمان ها و انجمن های مختلف افزایش می یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط

بیشتر می‌شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد و از این روی است که آیزنشتات به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای دورکیم و تا حدودی تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی این‌که بدون انسجام و نوعی اعتماد اجتماعی، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). همچنین فوکویاما معتقد است که اعتماد پایه اصلی نظم اجتماعی است «اجتماعات براساس اعتماد دو طرفه بنا شده‌اند و بدون آن به صورتی خلق‌الساعه به وجود نمی‌آیند» (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۵).

از دیدگاه جامعه‌شناختی دست‌کم سه شکل از اعتماد مشتمل بر اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی قابل تشخیص است:

الف) اعتماد بین شخصی: «اعتماد بین شخصی» براساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می‌شود. و مبتنی بر روابط بین فردی است. همزیستی مستقیم بین شرکت‌کنندگان یکی از ویژگی‌هایی است که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد متمایز می‌کند. اعتماد بین شخصی در ارتباط با تعامل و روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه تجلی پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳).

ب) اعتماد تعمیم‌یافته: «اعتماد تعمیم‌یافته» را می‌توان داشتن حسن‌ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. این تعریف بیانگر چند نکته اساسی است: ۱. اعتماد تعمیم‌یافته تنها به افرادی که با هم برهم‌کنش دارند و میانشان روابط چهره به چهره برقرار است، محدود نمی‌شود؛ ۲. اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌ای از کسانی را که با ما برهم‌کنش دارند یا بالقوه می‌توانند برهم‌کنش داشته باشند در بر می‌گیرد؛ ۳. اعتماد تعمیم‌یافته مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد؛ ۴. اعتماد تعمیم‌یافته پدیده نسبتاً جدیدی است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا «ملت - دولت» مطرح می‌شود ۵. و بالأخره اعتماد تعمیم‌یافته لازمه همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۹).

ج) اعتماد نهادی: «اعتماد نهادی» دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها دارند. به تعبیر دوگان انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهاد ه‌ایند (دوگان، ۱۳۷۴: ۱۰). بنابراین میزان اعتماد نهادی برحسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره خود با آن‌ها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. می‌توان ادعا کرد که اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا در جوامع سنتی که الگوی

خاص‌گرایی در آن حاکم است به چشم می‌خورد و از این رو می‌توان آن را اعتماد سنتی نیز خواند و انواع دوم و سوم که عموماً در جوامع مدرن به چشم می‌خورند اصطلاحاً اعتماد مضمونی یا کارکردی خوانده می‌شود (زاهدی و او جاقلو، ۱۳۸۴: ۱۰۳). در این جا پرسشی که مطرح می‌شود این است که اعتماد شخصی چگونه به اعتماد اجتماعی تبدیل می‌شود؟ پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از ساز و کارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند و بر این باور است که اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

مشارکت اجتماعی

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند. از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیر فعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به‌عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵).

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به هدف‌هایشان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هر یک از مشارکت‌کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعال‌شان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به مواردی اشاره می‌کند که از آن جمله است: ۱. مشارکت فعالیت سازمان‌یافته از طرف مردم متحد و متجانس که واحد اولیه آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲. مبادرت به کنش و عمل جمعی داشتن؛ ۳. تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیت‌ها داشتن؛ ۴. نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان، ۱۹۹۳: ۱۵۰ به نقل از غفاری، ۱۳۸۰: ۷۰).

اوکلی و مارسدن از مشارکت، سه تفسیر ارائه داده‌اند:

۱. شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی؛
۲. برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان آنان؛
۳. دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهمی شدن عامه مردم در منافع طرح‌ها و ارزشیابی آن‌ها.

تفسیرهای مطرح شده توسط اوکلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و احقاق حقوق آنان، می‌توان در سه سطح مشارکت پایین (تفسیر اول)؛ مشارکت متوسط (تفسیر دوم)؛ و مشارکت بالا (تفسیر سوم) دسته‌بندی کرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۵) جیمز فریزر مشارکت را بناً توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعریف می‌کند؛ هرچند که معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. براساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود. این نظریه بر مشارکت مبتنی بر اراده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواهش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، باز هم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است (علفیان، ۱۳۷۹: ۹۰-۹۱).

رابرت پاتنام نیز معتقد است که آن‌چه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود (جساج، ۲۰۰۳: ۱). به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده، و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند (پاتنام، ۱۹۹۵).
دانیل لرنر عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه مدرن بیشتر نمود دارند. او از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد (لرنر، ۱۹۶۴: ۵۷).

هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده‌اند به نظر آن‌ها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند (هانتینگتون و نلسون، ۱۳۷۶).

اینگلهارت افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و

اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد. به عقیده او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷۸). اینگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه‌کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تا حدودی به رویکرد آلموند و وربا شباهت دارد که در بحث «فرهنگ مدنی» اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک و تشکیل روابط ثانویه می‌دانند. اینگلهارت همچنین سرمایه اجتماعی را هم‌ارز اعتماد دانسته معتقد است که سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مدارا است که به مدد آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه این‌که اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله بیشتر به یکدیگر اعتماد کنند (رز، ۱۹۹۹: ۷۸).

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی فرایندی سازمان‌یافته است که افراد که بر مبنای اعتمادی که به یکدیگر پیدا می‌کنند از روی آگاهی و اطلاع و به صورت داوطلبانه و گروهی، با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خودشکوفایی و نیل به اهداف و سهم شدن در منابع قدرت می‌گردد به فعالیت مشترک می‌پردازند. عرصه چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی چون گروه‌ها، اتحادیه‌ها، باشگاه‌ها و انجمن‌ها هستند که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و در حوزه‌های گوناگون ایفای نقش می‌کنند. تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. اهمیت این انجمن‌ها و تشکل‌ها در این است که مجرای برای آموزش مشارکت در تعیین سرنوشت مردم و شراکت در بحث و تصمیم‌گیری جمعی به‌شمار می‌آیند. از دیدگاه چلبی، انجمن‌های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورند. از یک طرف، تشکل‌های مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آن‌ها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فرد در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند، و از سوی دیگر، با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۰). بنابراین می‌توان گفت که مشارکت واقعی و هدفمند برون‌داد سازمان‌های غیردولتی است و آن‌ها متولیان این نوع مشارکت در سطح اجتماع هستند.

از طرف دیگر، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و اعتماد حاکم بر این روابط بر کیفیت آن افزوده است، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه دارند. به این معنی که این روابط و کیفیت آن به ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها منجر می‌گردد. متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز در این میان مؤثرند. الگوی تبیینی این تحقیق؛ با پایه قرار دادن رویکرد پاتنام و تکمیل آن با رویکردهای نظری اینگلهارت، زتومپکا، لرنر و هانتینگتون در زمینه‌های اعتماد و مشارکت اجتماعی صورت‌بندی شده است.

روش تحقیق

در این تحقیق به لحاظ مفهومی از روش مطالعه اسنادی و از حیث تجربی برای بررسی متغیرها، تحلیل و آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. که ابتدا پرسشنامه تحقیق مورد پیش‌آزمون^۱ قرار گرفته و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی پرسش‌های چندگزینه‌ای و نیز پرسش‌هایی که در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند محاسبه شده است. پس از اصلاحات لازم مجدداً داده‌ها از طریق پرسشنامه نهایی جمع‌آوری شده است و آلفای کرونباخ برای آن‌ها محاسبه گردیده است که در مجموع پایایی محاسبه شده برای هر کدام از پرسش‌ها بیشتر از ۰/۷۰ بوده است (مقیاس‌های اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی به ترتیب ضریب روایی ۰/۹۶، ۰/۸۰ و ۰/۸۸ داشتند).

پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مشمول بر آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر) انجام شده است.

جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری این تحقیق کلیه ساکنان مناطق ۱، ۷ و ۱۷ شهر تهران هستند که به‌عنوان مناطق ثروتمندترین (منطقه یک)، متوسط‌ترین (منطقه هفت) و فقیرترین (منطقه ۱۷) برای انجام این تحقیق و با هدف تأمین بیشتر واریانس ممکن از حیث پایگاه اجتماعی-اقتصادی آزمودنی‌ها گزینش شدند. بر این اساس نخست مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با توجه به تشابه ویژگی‌ها به سه گروه بزرگ‌تر تقسیم شدند؛ سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از هر

1. pre-test

گروه یک منطقه به طور تصادفی انتخاب شدند که به گزینش مناطق یاد شده منجر شد (۱، ۷ و ۱۷) که با برآورد جمعیت این سه منطقه، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه معادل ۳۰۰ نفر برآورد گردید و در نهایت در هر یک از مناطق، خیابان‌های اصلی و فرعی و کوچه از روی بلوک‌بندی‌های موجود در مرکز آمار ایران به تصادف انتخاب و در نهایت پرسش‌گری به‌طور مستقیم از طریق مراجعه به درب منازل انجام گردید. واحد تحلیل و نیز واحد مشاهده فرد است.

فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه اصلی: بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سازمان‌یافته افراد رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد فردی و مشارکت سازمان‌یافته افراد رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت سازمان‌یافته افراد رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد نهادی و مشارکت سازمان‌یافته افراد رابطه وجود دارد.

سایر فرضیه‌ها

- بین سن و مشارکت سازمان‌یافته افراد رابطه وجود دارد.
- بین سطح تحصیلات افراد و مشارکت سازمان‌یافته آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و مشارکت سازمان‌یافته آن‌ها رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند (پاکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۵). در این‌جا اعتماد در قالب سه سنجه اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است.

اعتماد فردی، به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران است.. که میزان آن در افراد براساس طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است:

۱. اکثر مردم در معامله با دیگران درستکار و بی‌شلیله پبله‌اند.

۲. خیلی از مردم فقط در فکر خویش‌اند و واقعاً به‌جز خود به هیچ‌کس دیگر اهمیت نمی‌دهند.

۳. خیلی‌ها فقط از آن‌رو با تو دوست‌اند که در مواقع نیاز بتوانند از تو کمک بگیرند.

۴. شما تا چه اندازه به غریبه‌ها اعتماد می‌کنید.

اعتماد نهادی، بازگویی خوش‌بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است. برای سنجش این معرف میزان اعتماد افراد برای شماری از نهادها و گروه‌های اجتماعی از طریق طیف لیکرت سنجیده شده و سپس با استفاده از جمع نمرات افراد شاخص اعتماد نهادی هر یک از آزمودنی‌ها محاسبه شده است.

بالاخره نمره اعتماد اجتماعی از جمع نمرات اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی به‌عنوان اجزای اعتماد اجتماعی محاسبه شده است.

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا نامستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). مصداق عملیاتی چنین مشارکتی شرکت در انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی است. منظور از مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، عضویت، انجام دادن فعالیت‌ها و یا صاحب مسئولیت بودن در یک سازمان غیردولتی (NGO) است. در این تحقیق برای سنجش میزان مشارکت از مقیاس چاپین استفاده شده است که حاوی مقوله‌های ۱. عضویت، ۲. انجام فعالیت، ۳. کمک مالی، ۴. عضویت در کمیته‌ها و ۵. صاحب مقام و مسئولیت بودن است (میلر: ۱۳۸۰) که به‌ترتیب به هر یک از مقوله‌ها نمره‌های ۱ تا ۵ تخصیص داده شده است با جمع کردن این نمره‌ها از مجموع سازمان‌هایی که فرد با آن‌ها ارتباط دارد، نمره مشارکت اجتماعی او تعیین شده است.

متغیرهای زمینه‌ای: شامل سن، تحصیلات و پایگاه اجتماعی - اقتصادی‌اند که جزء عوامل تأثیرگذار هم بر مشارکت و هم بر اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی جایگاهی منظور شده است که افراد در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه اشغال می‌کنند برای سنجش آن با استفاده از شاخص اجتماعی - اقتصادی دانکن (میلر، ۱۳۸۰: ۳۸۸) از متغیرهای تحصیلات، درآمد و شغل استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین سنی افراد پاسخ‌گو برابر با ۵۵/۰۱ سال بوده است که نشان می‌دهد پاسخ‌گویان از میانگین سنی بالایی برخوردارند همچنین بیشترین فراوانی تحصیلات مربوط به گروه تحصیلی لیسانس است، به طوری که ۳۳/۸ پاسخ‌گویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند. شاخص دیگر پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد است همان‌گونه که اشاره شد برای سنجش آن از شاخص دانکن مشتمل بر شغل، درآمد و تحصیلات استفاده شده است. از مجموع نمونه آماری، ۲۱/۱ درصد به طبقه بالا، ۴۵/۵ درصد طبقه متوسط و ۳۳/۴ درصد هم متعلق به طبقه پایین جامعه بودند. جدول شماره ۱ توزیع فراوانی پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخ‌گویان را نیز به تفکیک منطقه سکونت نشان می‌دهد. همان‌گونه که روشن است ۷۸ درصد طبقه پایین جامعه نمونه در منطقه هفده و ۴۷ درصد طبقه بالای جامعه نمونه در منطقه یک سکونت دارند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی به تفکیک منطقه سکونت

منطقه سکونت / پایگاه	منطقه یک	منطقه هفت	منطقه هفده
پایین	۰٪	۲۲٪	۷۸٪
متوسط	۵۳٪	۶۲٪	۲۱٪
بالا	۴۷٪	۱۶٪	۰٪

جدول شماره ۲ میزان اعتماد و انواع آن را برحسب منطقه سکونت نشان می‌دهند (درصدها به ستون گزارش شده‌اند). داده‌ها حاکی از آن است که از کل پاسخ‌گویان ۹/۴ درصد از اعتماد پایین، ۵۷/۵ درصد از اعتماد متوسط و ۳۳/۱ درصد از اعتماد بالایی برخوردارند. میانگین این شاخص ۷۷/۱۴، دامنه تغییرات پاسخ‌ها ۹۲، بیشترین میزان ۱۰۸ و کمترین میزان ۱۶ می‌باشد.

جدول شماره ۳ میزان مشارکت سازمان‌یافته را برحسب منطقه سکونت نشان می‌دهند. توزیع فراوانی شاخص مشارکت در میان پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که در مجموع میزان مشارکت ۷۶/۱ درصد کل پاسخ‌گویان در حد پایین و ۱۷/۴ درصد در حد متوسط و تنها ۶/۵ درصد در حد بالا است که این نشان می‌دهد که عضویت در نهادها و سازمان‌های رسمی غیردولتی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. شایان ذکر است که میانگین نمره مشارکت رسمی ۱/۸۰، دامنه تغییرات ۱۲، بیشترین میزان ۱۲ و کمترین میزان ۰ (صفر) است.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان اعتماد به تفکیک منطقه سکونت

کل	منطقه هدفه	منطقه هفت	منطقه یک	منطقه سکونت	
				اعتماد	بین فردی
۴۲	۳۴	۸	۰	پایین	اعتماد بین فردی
۱۴۰٪	۳۴،۳٪	۸،۰٪	۰،۰٪	متوسط	
۱۴۵	۵۹	۵۹	۲۷	بالا	
۴۸،۵٪	۵۹،۶٪	۵۹،۰٪	۲۷،۰٪		
۱۱۲	۶	۳۳	۷۳	پایین	اعتماد تعمیم یافته
۳۷،۵٪	۶،۱٪	۳۳،۰٪	۷۳،۰٪	متوسط	
۷۵	۴۴	۱۷	۱۴	بالا	
۲۵،۱٪	۴۴،۴٪	۱۷،۰٪	۱۴،۰٪		
۱۵۰	۳۸	۵۸	۵۴	پایین	اعتماد نهادی
۵۰،۲٪	۳۸،۴٪	۵۸،۰٪	۵۴،۰٪	متوسط	
۷۴	۱۷	۲۵	۳۲	بالا	
۲۴،۷٪	۱۷،۲٪	۲۵،۰٪	۳۲،۰٪		
۳۶	۱۷	۱۴	۵	پایین	اعتماد اجتماعی
۱۲،۱٪	۱۷،۲٪	۱۴،۳٪	۵،۰٪	متوسط	
۱۴۷	۴۴	۴۴	۵۹	بالا	
۴۹،۵٪	۴۴،۴٪	۴۴،۹٪	۵۹،۰٪		
۱۱۴	۳۸	۴۰	۳۶	پایین	اعتماد اجتماعی
۳۸،۴٪	۳۸،۴٪	۴۰،۸٪	۳۶،۰٪	متوسط	
۲۸	۱۳	۱۲	۳	بالا	
۹،۴٪	۱۳،۱٪	۱۲،۰٪	۳،۰٪		
۱۷۲	۶۵	۵۰	۵۷	پایین	اعتماد اجتماعی
۵۷،۵٪	۶۵،۷٪	۵۰،۰٪	۵۷،۰٪	متوسط	
۹۹	۲۱	۳۸	۴۰	بالا	
۳۳،۱٪	۲۱،۲٪	۳۸،۰٪	۴۰،۰٪		

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان مشارکت به تفکیک منطقه سکونت

کل	منطقه هدفه	منطقه هفت	منطقه یک	منطقه سکونت	
				مشارکت	بین فردی
۱۱۸	۳۸	۴۰	۴۰	پایین	مشارکت
۷۶،۱٪	۹۰،۵٪	۷۱،۴٪	۷۰،۲٪	متوسط	
۲۷	۴	۱۳	۱۰	بالا	
۱۷،۴٪	۹،۵٪	۲۳،۲٪	۱۷،۵٪		
۱۰	۰	۳	۷	پایین	مشارکت
۶،۵٪	۰،۰٪	۵،۴٪	۱۲،۳٪	متوسط	
				بالا	

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب میزان اعتماد به تفکیک پایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود بیشترین میزان اعتماد مربوط به پایگاه‌های متوسط رو به بالا است. و همچنین جدول شماره ۵ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب میزان مشارکت رسمی به تفکیک پایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها نشان می‌دهد. جدول نشان می‌دهد که ۹۴ درصد طبقات پایین جامعه از مشارکت پایینی برخوردارند و میزان مشارکت در طبقات متوسط و بالا افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان اعتماد به تفکیک پایگاه

اعتماد	پایگاه	پایین	متوسط	بالا	کل
پایین	۱۳ ٪۱۳	۱۴ ٪۱۰/۳	۱ ٪۱/۶	۲۸ ٪۹/۴	
متوسط	۶۴ ٪۶۴	۷۶ ٪۵۵/۹	۳۲ ٪۵۰/۸	۱۷۲ ٪۷۵/۵	
بالا	۲۳ ٪۲۳/۳	۴۶ ٪۳۳/۸	۳۰ ٪۴۷/۶	۹۹ ٪۳۳/۱	
کل	۱۰۰ ٪۱۰۰	۱۴۶ ٪۱۰۰	۶۳ ٪۱۰۰	۲۹۹ ٪۱۰۰	

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان مشارکت به تفکیک پایگاه

مشارکت	پایگاه	پایین	متوسط	بالا	کل
پایین	۹۴ ٪۹۴/۰	۱۱۹ ٪۸۷/۵	۵۰ ٪۷۹/۴	۲۶۳ ٪۸۸	
متوسط	۶ ٪۶	۱۲ ٪۸/۸	۱۱ ٪۱۷/۵	۲۹ ٪۹/۷	
بالا	۰ ٪۰	۵ ٪۳/۷	۲ ٪۳/۲	۷ ٪۲/۳	
کل	۱۰۰ ٪۱۰۰	۱۳۶ ٪۱۰۰	۶۳ ٪۱۰۰	۲۹۹ ٪۱۰۰	

آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از دو تکنیک آماری ضریب همبستگی و مقایسه میانگین‌ها انجام گرفته است. جدول شماره ۶ نشان‌دهنده ضریب همبستگی پیروسون بین

متغیرهای مستقل و مشارکت اجتماعی است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رابطه معناداری بین تحصیلات، اعتماد اجتماعی، اعتماد فردی، تعمیم یافته و اعتماد نهادی و مشارکت سازمان یافته وجود دارد. بین مشارکت اجتماعی و سن رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و مشارکت اجتماعی

معیاری	ضریب همبستگی	انحراف معیار	میانگین	همبستگی	
۰/۰۳۱	۰/۱۲۵(*)	۱۳/۵۸	۷۷/۱۴	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۵	۰/۱۶۱(**)	۲/۴۹	۱۴/۴۲	اعتماد فردی	
۰/۰۰۱	۰/۲۰۰(***)	۲/۰۸	۸/۸۶	اعتماد تعمیم یافته	
۰/۰۴۵	-۰/۱۱۶(*)	۱۱/۰۶	۴۵/۲۱	اعتماد نهادی	
۰/۰۲۹	۰/۱۲۶(*)	۱/۴۷۶	۴/۲۳	تحصیلات	
۰/۹۰۴	-۰/۰۰۷	۱۱/۲۶۱	۵۵/۰۱	سن	

* رابطه در سطح ۰/۰۵ معنی دار است (دو دامنه).

** رابطه در سطح ۰/۰۱ معنی دار است (دو دامنه).

جدول شماره ۷ آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی برحسب منطقه سکونت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد نمونه را نشان می‌دهد. آمارهای جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره مشارکت رسمی افراد در طبقه پایین ۱/۱۶، در طبقه متوسط ۱/۹۴ و در طبقه بالا ۲/۴۹ است. این نمره در هر طبقه براساس آزمون F با مقدار ۶/۵۷۳ حداقل در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. به عبارتی دیگر افرادی که دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند، از مشارکت بیشتری برخوردارند. آمارهای موجود در جدول برای منطقه سکونت نشان می‌دهد که میانگین نمره افراد نمونه که در منطقه یک (۲/۱۲)، منطقه هفت (۲/۱۴) و منطقه هفده (۱/۱۲) زندگی می‌کنند، با هم تفاوت دارد و تفاوت مشاهده شده براساس آزمون F در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. به عبارتی می‌توان گفت که مشارکت افرادی که در مناطق توسعه یافته شهر زندگی می‌کنند بالاست.

همان‌طور که در جدول شماره ۷ دیده می‌شود، آزمون F تفاوت معنی داری را بین سه گروه نشان می‌دهد، اما مشخص نمی‌کند که کدام گروه متفاوت از دو گروه دیگر است. با استفاده از

آزمون شفیه^۱ که در جدول شماره ۶ نشان داده شده است می توان به مقایسه^۱ یک به یک میانگین ها دست یافت.

جدول شماره ۷. آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب منطقه سکونت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	پایین	۱۰۰	۱/۱۶	۱/۸۲	۶/۵۷۳	۰/۰۰۲
	متوسط	۱۳۶	۱/۹۴	۲/۵۸		
	بالا	۶۳	۲/۴۹	۲/۶۴		
منطقه	یک	۱۰۰	۲/۱۲	۲/۶۲	۵/۹۷۷	۰/۰۰۳
	هفت	۱۰۰	۲/۱۴	۲/۶۹		
	هفده	۹۹	۱/۱۲	۱/۶۷		

جدول شماره ۸. مقایسه^۱ چندگانه (آزمون شفیه) میزان مشارکت براساس پایگاه اجتماعی-اقتصادی و منطقه سکونت

مقوله	مقوله	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	معناداری
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	پایین	متوسط	۰/۳۱۲۲۱	۰/۰۴۵
		بالا	۰/۳۸۱۲۳	۰/۰۰۳
	متوسط	پایین	۰/۳۱۲۲۱	۰/۰۴۵
		بالا	۰/۳۶۱۲۰	۰/۳۱۴
منطقه سکونت	بالا	پایین	۰/۳۸۱۲۳	۰/۰۰۳
		متوسط	۰/۳۶۱۲۰	۰/۳۱۴
	یک	هفت	۰/۳۵۸۳	۰/۹۹۸
		هفده	۰/۳۳۶۶۷	۰/۱۳
منطقه سکونت	هفت	یک	۰/۳۵۸۳	۰/۹۹۸
		هفده	۰/۳۳۶۶۷	۰/۱۱
	هفده	یک	۰/۳۳۶۶۷	۰/۱۳
		هفت	۰/۳۳۶۶۷	۰/۱۱
		۰/۳۳۶۶۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳

تفاوت میانگین در سطح ۰/۰۵ معنی دار است

1. Scheffé

به منظور پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (مشارکت) از طریق متغیرهای مستقل و تعیین سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته از تکنیک رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام مورد استفاده قرار گرفت. نتایج جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که دو متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی در مرحله اول و متغیر اعتماد تعمیم یافته در مرحله دوم به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع این دو متغیر توانسته‌اند ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده و توضیح دهند.

جدول شماره ۹. خلاصه مدل‌های تحلیل مشارکت

مدل‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	آزمون واریانس	سطح معناداری
۱	۰/۱۹۵(a)	۰/۰۳۸	۰/۰۳۵	۱۱,۶۲۱	۰/۰۰۱(a)
۲	۰/۲۴۱(b)	۰/۰۵۸	۰/۰۵۲	۸,۹۹۸	۰/۰۰۰(b)

مدل‌های شماره ۱. پایگاه اجتماعی-اقتصادی؛ ۲. پایگاه اجتماعی-اقتصادی و اعتماد تعمیم یافته

براساس مقادیر (Beta) معادله رگرسیونی استاندارد عبارت خواهد بود از:
مشارکت رسمی = ۰/۰۲۵ (پایگاه اجتماعی-اقتصادی) + ۰/۱۴۸ (اعتماد تعمیم یافته)

جدول شماره ۱۰. بررسی تأثیر ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل بر مشارکت

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد شده (Beta)	مقدار T	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۰۲۵	۰/۱۵۰	۲,۵۰۸	۰/۱۳
اعتماد تعمیم یافته	۰/۱۷۲	۰/۱۴۸	۲,۴۸۴	۰/۰۱۴

همچنین برای تعیین عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی از مدل رگرسیونی استفاده شد که براساس آماره‌های به دست آمده تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی ۷۹ درصد واریانس اعتماد اجتماعی را تبیین کرده‌اند.

جدول شماره ۱۱. خلاصه مدل‌های تحلیل اعتماد

مدل‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	آزمون واریانس	سطح معناداری
۱	۰/۲۶۲	۰/۰۶۹	۰/۰۶۵	۲۱/۷۱۰	۰/۰۰۰
۲	۰/۲۹۲	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۱۳/۷۱۴	۰/۰۰۰

مدل‌های شماره ۱. تحصیلات؛ ۲. تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی

با توجه به ضرایب بتا معادله رگرسیونی استاندارد عبارت خواهد بود از:
 اعتماد = ۰/۱۶۶ (تحصیلات) + ۰/۱۶۱ (پایگاه اجتماعی-اقتصادی)

جدول شماره ۱۲. بررسی تأثیر ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل بر اعتماد

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد شده (Beta)	مقدار T	سطح معناداری
تحصیلات	۱/۵۲۹	۰/۱۶۶	۲/۴۰۲	۰/۰۱۷
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۱۴۹	۰/۱۶۱	۲/۳۲۳	۰/۰۲۱

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری بر همکنش‌های اجتماعی پیوسته و روابط اجتماعی سازنده و مشارکتی در هر جامعه‌ای وجود اعتماد در میان کنشگران آن جامعه است. این اعتماد به صورت بین شخصی، اجتماعی و نهادی، فضای رابطه‌ای افراد با یکدیگر، با کارگزاری‌های اجتماعی و همچنین با سازمان‌های حکومتی را شکل می‌دهند. این فضای رابطه‌ای را می‌توان به مثابه عامل اصلی تعیین‌کننده سطح و عمق بر همکنش‌های پیوسته‌ای از نوع مشارکت اجتماعی بررسی و تحلیل کرد. هدف این تحقیق نیز بررسی رابطه میان اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن با سطح مشارکت شهروندان تهرانی با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان بوده است.

چنانچه مشارکت اجتماعی را آن دسته از فعالیت‌های ارادی که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند، تلقی کنیم و عرصه چنین مشارکتی را عضویت و فعالیت در انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی بدانیم طبیعی است که فرصت‌های چنین عضویت و فعالیتی در بین افرادی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا را اشغال کرده‌اند بیشتر از

دو گروه متوسط و پایین و به همین نحو در مورد افراد گروه‌بندی شده در پایگاه متوسط بیشتر از پایگاه‌های پایین باشد. سازمان‌های غیر دولتی به‌عنوان سازمان‌های غیررسمی در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق توانمندسازی آن‌ها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند فعال شود. تکوین و شکل‌گیری این سازمان‌ها، زیربنای جامعه مدنی را می‌سازد، جامعه‌ای متشکل از مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها، تشکل‌های خصوصی و غیرخصوصی که کم و بیش مستقل از دولتند و روابط درونی و مابین آن‌ها کمتر آمرانه و بیشتر داوطلبانه است (علوی تبار، ۱۳۷۶: ۵). سازمان‌های غیردولتی با میانجی‌گری میان مردم و دولت می‌توانند زمینه مشارکت مردم را در تصمیم‌گیری‌های دولت فراهم کنند. اهمیت ویژه‌ای که می‌توان برای سازمان‌های غیردولتی قائل شد آن است که آن‌ها قادرند عامل مشارکت را که از شاخصه‌های اصلی توسعه است در خود مورد نظر قرار دهند (زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

تأمین مشارکت اجتماعی از طریق ایجاد تشکل‌های مردمی و از آن‌جمله سازمان‌های غیردولتی از مؤثرترین رهیافت‌هایی است که در کشورهای توسعه‌یافته برای ایجاد ثبات اجتماعی، تأمین انسجام اجتماعی به تقویت دموکراسی و حفظ دستاوردهای تمدنی به‌کار بسته شد (همان: ۱۰۵). با این حال باید توجه داشت که مشارکت مدنی «فقط هنگامی در ذهن مردم یک جامعه نهادینه می‌شود که فضای دموکراتیکی وجود داشته باشد و به آزادی‌های فردی و جمعی بهای لازم داده شود و این امور جزء ارزش‌های اساسی جامعه باشد» (همان: ۱۰۶). نتایج به‌دست آمده از این مقاله نشان می‌دهد که میزان مشارکت سازمان‌یافته افراد تحت مطالعه، از وضعیت مناسبی برخوردار نیست به طوری که ۷۰/۲ درصد کل پاسخ‌گویان منطقه یک میزان مشارکت رسمی پایین، ۱۷/۵ درصد مشارکت رسمی متوسط و ۱۲/۳ درصد از افراد پاسخ‌گو ساکن منطقه یک از میزان مشارکت رسمی بالایی برخوردارند. ۷۱/۴ درصد از ۵۶ نفر پاسخ‌گو ساکن منطقه هفت از مشارکت رسمی پایین و ۲۳/۲ درصد از میزان مشارکت رسمی متوسط و ۵/۴ درصد از میزان مشارکت رسمی بالایی برخوردارند. ۹۰/۵ درصد پاسخ‌گویان منطقه هفت از میزان مشارکت رسمی پایین و ۹/۵ درصد از میزان مشارکت متوسط برخوردارند. در مجموع میزان مشارکت ۷۶/۱ درصد کل پاسخ‌گویان در حد پایین و ۱۷/۴ درصد در حد متوسط و تنها ۶/۵ درصد در حد بالا است. توزیع‌ها نشان می‌دهد که ۹۴ درصد طبقات پایین جامعه از مشارکت پایینی برخوردارند و میزان مشارکت در طبقات متوسط و بالا افزایش می‌یابد. البته باید در نظر بگیریم که مناسب نبودن فضا برای فعالیت‌های انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی در این مورد یک عامل عمده و اساسی است.

اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در یک جامعه مدنی دموکراتیک از جمله مشارکت دارای همبستگی است. اعتماد پیش شرط مشارکت و همکاری است. بقا و پایداری همکاری در گرو وجود اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، می تواند نتیجه تعاملات اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی باشد. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب شاخص اعتماد (متشکل از مؤلفه‌های اعتماد فردی، تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی) در منطقه یک حاکی از آن است که ۳ درصد پاسخ‌گویان از اعتماد پایین، ۵۷ درصد از اعتماد متوسط و ۴۰ درصد از اعتماد بالایی برخوردارند. ۱۲ درصد کل پاسخ‌گویان ساکن در منطقه هفت از اعتماد پایین، ۵۰ درصد از اعتماد متوسط و ۳۸ درصد از اعتماد بالایی برخوردارند. ۱۳/۱ درصد کل پاسخ‌گویان منطقه هفده (۲۹۹ نفر) از اعتماد پایین، ۶۵/۷ درصد آن‌ها از اعتماد متوسط و ۲۱/۲ درصد از اعتماد بالایی برخوردارند. در مجموع از کل افراد تحت مطالعه ۹/۴ درصد از اعتماد پایین، ۵۷/۵ درصد از اعتماد متوسط و ۳۳/۱ درصد از اعتماد بالایی برخوردارند. یعنی سطح اعتماد در میان پاسخ‌گویان متوسط رو به بالاست. در مجموع طبقات بالا بیشترین اعتماد را دارند به طوری که ۹۷ درصد اعتماد بالا در طبقات متوسط رو به بالا دیده می‌شود.

براساس مدل رگرسیونی متغیرهای اعتماد تعمیم‌یافته و تحصیلات بیشترین اهمیت را در تبیین مشارکت سازمان‌یافته داشته‌اند. به نظر می‌رسد افرادی که دارای اعتماد تعمیم‌یافته و تحصیلات بالاتری هستند معمولاً تغییرپذیری و ریسک‌پذیری بالایی دارند و همین موجب می‌شود که بتوانند در فعالیت‌های جمعی وارد شده و مشارکت داشته باشند.

نتایج این تحقیق یافته‌های تحقیقات پیشین را مورد تأیید قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان مشارکت در سازمان‌های غیردولتی از تحصیلات تأثیر می‌پذیرد. هر چه تحصیلات افراد و پایگاه اجتماعی-اقتصادی آن‌ها بالاتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نظرات لرنر و اینگلهارت که معتقدند هر چه تحصیلات افراد بالا باشد گرایش آن‌ها به مشارکت بیشتر خواهد بود، منطبق است. اینگلهارت مشارکت‌کنندگان در سازمان‌های غیردولتی را کسانی می‌داند که از نظر سنی جزء گروه جوانان بوده و تحصیلات بالاتری دارند. همچنین لرنر نیز عامل سواد را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند.

هانتینگتون و نلسون هم معتقدند که هر چه افراد به طبقه و پایگاه اجتماعی بالاتری تعلق داشته باشند از مشارکت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. یافته‌های این تحقیق نیز مؤید این است که بین موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد و مشارکت آنان رابطه معنی‌داری وجود

دارد. تفاوت میانگین بین مشارکت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی بازگویی آن است که میانگین نمره مشارکت رسمی افراد در طبقه پایین ۱/۱۶، در طبقه متوسط ۱/۹۴ و در طبقه بالا ۲/۴۹ است. این نمره در هر طبقه براساس آزمون F با مقدار ۶/۵۷۳ حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. به سخن دیگر افرادی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند، از مشارکت بیشتری برخوردارند.

همان‌گونه که در بحث نظری اشاره شد نظریه پردازانی چون اینگلههارت و پاتنام معتقدند که اعتماد افراد را به انجام دادن امور داوطلبانه و فعالیت‌های گروهی و مشارکت تشویق می‌کند یافته‌های این تحقیق نیز مؤید این رویکردها است. داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که در مجموع بین اعتماد اجتماعی و مشارکت رابطه معناداری وجود دارد ($r = 0/125$). یعنی هر چه افراد به اطرافیان خود اعتماد بیشتری داشته باشند همکاری و فعالیت دسته‌جمعی و مشارکت آن‌ها افزایش می‌یابد.

سنجش رابطه مشارکت با مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی بازگویی ارتباط معنادار مشارکت با این مؤلفه‌ها است. شدت رابطه همبستگی پیرسون محاسبه شده برای اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی به ترتیب ۰/۱۶۱، ۰/۲۰۰ و ۰/۱۱۶- است. نکته جالب توجه آن است که برخلاف جهت مثبت رابطه اعتماد فردی و اعتماد تعمیم یافته با مشارکت، رابطه اعتماد نهادی با مشارکت جهت معکوس دارد. این بدین معنی است که کسانی که در سازمان‌های غیردولتی مشارکت دارند، اعتماد نهادی کمتری دارند. از آنجایی که اعتماد نهادی در قالب ارزیابی پاسخ‌گویان از عملکرد و کارایی نهادهای دولتی و گروه‌های مختلف اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است، می‌توان استنباط کرد که دارندگان عضویت انجمنی و فعالیت مشارکتی، تماس بیشتر و در نتیجه مطالبات بیشتری از مسئولان و گروه‌های اجتماعی دارند و به همین لحاظ به حقوق شهروندی خود وقوف بیشتری دارند اما از آنجا که به مطالبات آن‌ها پاسخ داده نمی‌شود نسبت به عملکرد این نهادها بدبین می‌شوند. همچنین این رابطه معکوس را می‌توان به شخصیت قدرت طلب افراد مشارکت‌جو نیز ارتباط داد. افرادی که در فعالیت‌های مشارکتی و انجمنی درگیر می‌شوند خواستار سهم شدن بیشتر در قدرت تصمیم‌گیری هستند و بدین دلیل دیدگاه منتقدانه‌ای نسبت به عملکرد نهادها دارند. از طرف دیگر موضوع ضعف مشارکت، بیشتر مسئله‌ای اجتماعی و سیاسی است تا مسئله فردی، چراکه نتایج تحقیق بازگویی آن است که میزان اعتماد بین فردی در بین ساکنان هر سه منطقه شهرداری در شهر تهران بیشتر از اعتماد تعمیم یافته و نهادی است. ۸۶ درصد پاسخ‌گویان از اعتماد بین فردی متوسط رو به بالا برخوردارند در حالی که میزان اعتماد تعمیم یافته در طبقه متوسط و بالا به ۵۰/۲ و در مورد

اعتماد نهادی در همین گروه‌ها به ۴۹ درصد می‌رسد. همان‌گونه که صاحب‌نظرانی چون پاتنام، اینگلهارت، گیدنز و افه تأکید دارند اعتماد اجتماعی بنیاد هرگونه همکاری و مشارکت را تشکیل می‌دهد. فزونی آن باعث مشارکت بیشتر و کمبود آن باعث مشارکت کمتر می‌شود. خروج از حوزه خصوصی و ورود افراد به عرصه عمومی، گذر از برخی از منافع شخصی و اقدام به کنش مشارکتی، نیازمند وجود اعتماد اجتماعی است، اعتماد اجتماعی افراد را به انجام دادن کنش‌های جمعی و داوطلبانه و فعالیت‌های گروهی و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی سوق می‌دهد. در جایی که اعتماد بر روابط اجتماعی حاکم نباشد، افراد منافع شخصی خود را دنبال کرده و هیچ‌گونه تعهدی نسبت به مصالح جمعی نخواهند داشت و همین مسئله باعث بدگمانی آن‌ها نسبت به یکدیگر گردیده و موجب خواهد شد که نتوانند به روش مشارکتی با یکدیگر همکاری کنند. اگر بتوان شهر تهران را به خاطر تبلور و تراکم بیشتر روابط مدرنیته‌ای در آن الگوی نمونه‌ای از حیث هم «اعتماد اجتماعی» و هم «مشارکت اجتماعی» در مقیاس کل کشور در نظر گرفت یافته‌های این پژوهش بازگویی ضعف قابل تأمل در هر دو پدیده اجتماعی یاد شده در سطح گروه‌های اجتماعی دارای پایگاه‌های طبقاتی بالا و متوسط و پایین در شهر تهران است. این نتایج را می‌توان به مثابه حرکت کند و جهت‌گیری نه‌چندان مطلوب جامعه به سوی مدرنیته و روند بسیار کند گسترش و نهادینه شدن جامعه مدنی ارزیابی کرد. نکته مهم‌تر آن‌که اگر در کلان‌شهر تهران که از حیث توسعه یافتگی و طی مدارج مهمی از مراحل گذار به نسبت سایر نواحی کشور از وضعیت بالنسبه بهتری برخوردار است، وضع این‌گونه باشد پس می‌توان انتظار داشت که در صورت تکرار این قبیل مطالعات در سایر نواحی کمتر توسعه یافته کشور نتایج مایوس‌کننده‌تری به دست آید.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستائیان در نواحی روستایی کاشان»، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ششم، شماره ۳۶.
- افه کلاوس (۱۳۸۵)، «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، در کتاب *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: نشر شیرازه، گردآوری کیان تاجبخش.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴)، *اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- آرنت، هانا (۱۳۶۱)، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.

- بیرو آلن (۱۳۷۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی* (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، محدثقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- چلبی مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- دوگان، ماتیله (۱۳۷۴)، «سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد»، پرویز پیران، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۹۷-۹۸.
- زاهدی، محمدجواد و سجاد اوچاقلو (۱۳۸۴)، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۴، ۹۵-۱۲۵.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۸)، *نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار*، تهران: انتشارات مازیار.
- زتومپکا، پیوتر (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، فاطمه گلابی، تبریز، ناشر مترجم.
- علفیان مسعود (۱۳۷۹)، «مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری»، *مجموع مقالات مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری*، همایش مدیریت توسعه پایدار، دانشگاه تبریز.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، *مشارکت در اداره امور شهرها*، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (ح اول)، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۶)، *میزگرد کیان درباره جامعه مدنی*، کیان، شماره ۳۳.
- غفاری، غلامرضا و نیازی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: انتشارات نزدیک.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، *اعتماد اجتماعی در ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، «عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی»، *فصلنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی*، سال دوم، شماره ۴.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص*، ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیته*، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، *بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*، تهران: نشر شریف.
- موسوی میرطاهر (۱۳۸۴)، «بررسی موانع مشارکت اجتماعی در تهران با تأکید بر خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی* شماره ۱۹.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- ورسلی، پیتر (۱۳۷۸)، *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*، سعید معیدفر، تهران: چاپ اول، انتشارات تبیان.

Fukuyama, F, (1999). What is Social Capital? The Institute of Public Policy George Mason University, Prepared for delivery at the IMF Conference on Second Generation Reforms, October 1999.

Judge, Robert (2003), "The difference that Gender makes" Social Capital, Gender and

- Political Participation, Eyewitness Robert. University of Manitoba.
- Lerner, Denial (1964), *The passing of Traditional society*, New York, The Macmillan com.
- Luman, N, (1979), *Trust and Power*, Johnwiely New York.
- Lyon, Fergus, (2002), Trust, Network and norms: The Creation of Social Capital in Agricultural Economic in Ghana, in world Development, vol 28, 663-689.
- Misztal, Barbara, (1996), *Trust in Modern Societies*, Cambridge: press.
- Moore, Christopher, (1989), *The mediation Processes*, san Francisco publishers.
- Newton, Kenneth, Trust, Social Capital, Civil Society and Democracy, International Political Science Review (2001), Vole 22, No. 2, 201-214.
- Paxton, P. (1999), Is Social Capital Declining in the United States? A multiple Indicator Assessment, American Journal of Sociology, Vol. 105, No. 1.
- Putnam, D. Robert (1996), Bowling Alone: America's Declining Social Capital, in Journal of Democracy, Pp 65-78, vol1, No6.
- Rose, R. (1999), getting Things Done in an Anti modern Society: social capital Networks in Russia. in Dasgupta & Serageldin (1999: 71-147).
- Zmerli Sonja & Ken Newton (2008), Social Trust and Attitudes Toward Democracy, Public Opinion Quarterly, Pp 1-19.
- پروین علی پور، کارشناس ارشد مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران است (نویسنده مسئول).
- P_Alipoor@ut.ac.ir
- محمدجواد زاهدی، دانشیار جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور است.
- m_zahedi@pnu.ac.ir
- ملیحه شیانی، استادیار گروه برنامه‌ریزی دانشکده علوم اجتماعی است.
- mshiani@ut.ac.ir